





دانشگاه پیام نور
دانشکده: الهیات و علوم اسلامی
گروه علمی: اخلاق

رابطه‌ی لذت و سعادت از دیدگاه ملاصدرا

نگارش

عمران هاشمی

استاد راهنما

دکتر مهدی زمانی

استاد مشاور

دکتر ناصر محمدی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی فلسفه‌ی اخلاق

آبان ماه سال ۱۳۹۰

تقدیم به:

ارواح طیبه‌ی انبیاء و اولیاء الهی، آن منادیان نجات و سعادت انسان بویژه آخرین سفیر حق حضرت محمد(ص) و سلسله‌ی امامان معصوم(ع) که جان و مال خود را در راه تبیین پیام رسول رحمت برای هدایت و سعادت انسان تقدیم کردند.

و روح ملکوتی ابراهیم زمان حضرت امام خمینی(ره) که غبار جهل و بدفهمی را از چهره‌ی چراغ عقل و دین زدود و آینه‌ی عقل بشر را برای درک حقایق متعالی و صعود از عالم ناسوت به عالم ملکوت جلا داد. تقدیم به او که بهترین شاگرد مکتب متعالی صدر المتألهین بود و اولین توصیف‌ها را در شأن ملاصدرا از زبان او شنیدم که «ملاصدرا و ما ادراک ما ملاصدرا»

و شهدایی که با نثار خون خود، آزادی جسم و جان و ایمان را برای ما به ارمغان آوردند و نوح زمان را در ساختن کشتی نجات یاری دادند.

و با تقدیم خالصانه‌ترین درودها و سلام‌ها به محضر ناخدای حکیم کشتی انقلاب، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) که با عمل به حکمت متعالیه‌ی اسلام این کشتی را از طوفان‌ها و منجلاب‌های سهمگین به سلامت عبور داده است و امید است که با حاکمیت حکیمانه و الهی ایشان، زمینه‌ی تحقق مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر همه‌ی حکما و اولیاء فراهم گردد و آن ذخیره‌ی الهی - مهدی (عج) - عالم را با نور حضور خویش روشن سازد و عقول را بارور و کامل گرداند.

آن سفر کرده که صد قافله دل هم‌ره اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

با سپاس و تشکر بی حد از الطاف بی کران الهی و توجه ائمه
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ
جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ (اعراف، ۴۳)

با تقدیر و تشکر از همسر عزیزم که مشوق من در ادامه‌ی تحصیل
بود و کاستی‌های حضور و توجه کمتر من را که از اشتغال و تحصیل
همزمان ناشی می‌شد با مهربانی و ایثار جبران نمود.

و با تشکر و آرزوی بهترین‌ها برای دختران عزیزم عزیزه خانم و
فریده خانم .

و با تشکر از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر زمانی که با راهنمایی
ایشان، این موضوع برای پایان نامه رقم خورد و منشأ خیر فراوان
در آشنایی با افکار فیلسوف بزرگ عالم اسلام ملاصدرا و لذت‌های
علمی و عقلی فراوان گردید و این تحقیق به انجام رسید.

فرم چکیده پایان نامه تحصیلی دوره تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو : هاشمی	نام: عمران	مقطع: کارشناسی ارشد
استاد راهنما: دکتر مهدی زمانی	استاد مشاور: دکتر ناصر محمدی	
رشته فلسفه‌ی اخلاق	تاریخ دفاع: آبان ۱۳۹۰	تعداد صفحات: ۲۲۰
عنوان پایان نامه: رابطه‌ی لذت و سعادت از دیدگاه ملاصدرا		
کلید واژه‌ها: لذت، سعادت، کمال، علم و معرفت، ادراک، سعادت اخروی، سعادت حقیقی، لذت - مادی و جسمانی، لذت حقیقی اخروی، لذت عقلی، فعل اخلاقی		
چکیده:		
<p>لذت و سعادت دو تا از اولی ترین و طبیعی ترین تمایلات انسان است. به همین دلیل لذت گرایی و سعادت گرایی دو مکتب مهم فلسفی اخلاقی در طول تاریخ تفکر بوده است. در میان فلاسفه‌ی مسلمان نیز این دو به عنوان عوامل و محرکات فعل اخلاقی مورد توجه بوده است. ملاصدرا به عنوان قله‌ی اوج فلسفه‌ی اسلامی نیز در آثار خود به تشریح به این موضوع پرداخته است. این تحقیق به بررسی رابطه‌ی بین لذت و سعادت از دیدگاه ملاصدرا می‌پردازد با این توضیح که برخی فلاسفه لذت را از سعادت متمایز و جدا دانسته‌اند اما در آثار ملاصدرا تعبیری که در تعریف و تبیین لذت و سعادت به کار رفته است بیانگر رابطه‌ی عینیت و یگانگی این دو است. البته او لذت را دارای مراتب مختلف در موجودات و قوای مختلف می‌داند اما لذت اختصاصی انسان را که لذت عقلی است با سعادت یکی می‌داند که عبارت است از ادراک عالی ترین وجودات که برای انسان ممکن است.</p> <p>ملاصدرا در تعریف لذت و سعادت از مبانی و ابتکارات فلسفی خود کمک می‌گیرد. او عالم وجود را سلسله مراتبی از پست ترین موجودات مثل جمادات تا عالی ترین وجودات یعنی عقول مفارقه و در آخرین مرتبه عقل محض و ذات وجود مطلق باری تعالی می‌داند. از نظر او لذت زمانی حاصل می‌شود که یک موجود یا یک قوه‌ی وجودی آنچه را که مقتضای ذات خود است به نحو کامل ادراک کند. به عنوان مثال لذت قوه‌ی باصره‌ی انسان در دیدن مناظر زیبا و لذت قوه‌ی سامعه در شنیدن صداهای گوش نواز است. از نظر او حقیقت انسان که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند عقل اوست بنابراین لذت حقیقی و اختصاصی انسان در آن است که این قوه‌ی عاقله متعلق خود یعنی وجودات عقلی را ادراک نماید. حال به هر میزان این ادراک کامل تر صورت گیرد و مدرک نیز متعالی تر باشد لذت و سعادت حاصل بیشتر خواهد بود. و این حالت زمانی حاصل می‌شود که انسان عقل خود را با تعلیم و تزکیه به صرافت و کمال کامل برساند تا توان ادراک معقولات صرف و محض در آن بوجود بیاید.</p> <p>بنابراین از آنجا که برترین وجودات معقول ذات باری تعالی و اسماء و صفات او می‌باشد لذت و سعادت حقیقی انسان در ادراک خداوند می‌باشد. این حالت همان است که در تعبیر دینی و عرفانی با قرب حق، رضوان و جنت از آن یاد می‌کنند و راه وصول به آن رسیدن به مرتبه‌ی ایمان (کمال عقلی یا عقل بالفعل) از طریق عمل صالح (رفع موانع رشد عقل) می‌باشد.</p>		

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق	۲
۲. پیشینه‌ی تحقیق	۳
۳. ضرورت انجام تحقیق	۴
۴. فرضیه‌ها	۴
۵. روش انجام تحقیق	۵
۶. لذت به عنوان معیار فعل اخلاقی	۵
۷. سعادت به عنوان معیار فعل اخلاقی	۷
۸. جایگاه بحث لذت و سعادت در فلسفه‌ی اخلاق	۹
فصل اول: مبانی لذت و سعادت در حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا	۱۳
مقدمه	۱۳
۱-۱- مبانی هستی‌شناسی سعادت در دیدگاه ملاصدرا	۱۴
۱-۱-۱- جایگاه وجود در فلسفه ملاصدرا	۱۴
۱-۱-۲- تعریف وجود در نظر ملاصدرا	۱۶
۱-۱-۳- اصالت وجود	۱۷
۱-۱-۴- تشکیک وجود	۱۸
۱-۱-۵- خدا و وجود	۲۰
۱-۱-۶- حرکت جوهری	۲۱

- ۱-۱-۷- وجه مبنا قرار گرفتن هستی‌شناسی ۲۲
- ۱-۲- مبانی معرفت‌شناسی لذت و سعادت ۲۳
- ۱-۲-۱- انواع ادراک و چگونگی حصول آن ۲۳
- ۱-۲-۲- کیفیت تعقل یا چگونگی حصول صور عقلی ۲۵
- ۱-۲-۳- ماهیت علم و ادراک ۲۷
- ۱-۲-۴- اقسام علم ۲۸
- ۱-۲-۵- وحدت ادراک، مدرک و مدرک ۲۹
- ۱-۲-۶- رابطه‌ی علم، وجود و لذت ۳۰
- ۱-۲-۷- وجه مبنا قرار گرفتن معرفت‌شناسی ۳۱
- ۱-۳- مبانی انسان‌شناسی ۳۲
- ۱-۳-۱- مقدمه در انسان‌شناسی ملاصدرا ۳۲
- ۱-۳-۲- جایگاه «وجود» در انسان‌شناسی ملاصدرا ۳۳
- ۱-۳-۳- تعریف نفس ۳۴
- ۱-۳-۴- اهمیت شناخت نفس ۳۵
- ۱-۳-۵- چگونگی پیدایش نفس ۳۵
- ۱-۳-۶- اصول اساسی علم النفس در حکمت متعالیه ۳۷
- ۱-۳-۷- کمال نفس انسانی ۳۹
- ۱-۳-۸- وجه مقدمه بودن انسان‌شناسی ملاصدرا ۴۱
- فصل دوم: نقش وجود و کمال در لذت و سعادت ۴۳**
- ۱-۲- رابطه‌ی لذت و سعادت با وجود ۴۳
- ۱-۲-۱- مقدمه در رابطه‌ی لذت با وجود ۴۳
- ۱-۲-۲- وجود؛ اصل لذت ۴۴
- ۱-۲-۳- وجود ملاک تقسیم لذات ۴۵
- ۱-۲-۴- حقیقت ادراک وجود ۴۷
- ۱-۲-۵- رابطه‌ی سعادت با وجود ۴۹
- ۲-۲- رابطه‌ی لذت و سعادت با کمال ۵۰
- ۲-۲-۱- عشق به کمال در موجودات ۵۰
- ۲-۲-۲- تفاوت شوق و عشق به کمال در موجودات ۵۲

۵۳	۲-۲-۳- رابطه‌ی شوق و عشق به کمال با لذت و سعادت
۵۴	۲-۲-۴- کمال خاص انسان (کمال خاص نفس ناطقه)
۵۶	۲-۲-۵- کمال انسان به حسب جزء نظری
۵۹	۲-۲-۶- کمال انسان به حسب جزء عملی
۶۲	۲-۲-۷- مراتب کمال نفوس
۶۳	۲-۲-۸- ویژگیهای کمال نفس ناطقه
۶۴	۲-۲-۹- منظور از کمال عقلی
۶۷	۲-۲-۱۰- کمال حقیقی انسان
۶۹	۲-۲-۱۱- شرایط سعادت کامل
۷۰	۲-۲-۱۲- ویژگی خاص کمال انسانی
۷۰	۲-۲-۱۳- راه رسیدن به کمال
۷۳	۲-۲-۱۴- موانع کمال و سعادت
۷۳	۲-۲-۱۵- رابطه‌ی لذت با کمال
۷۶	۲-۲-۱۶- رابطه‌ی سعادت با کمال

فصل سوم: نقش معرفت و عقل در لذت و سعادت ۷۹

۷۹	۳-۱- علم و معرفت
۷۹	۳-۱-۱- علم و معرفت در نظر ملاصدرا
۸۰	۳-۱-۲- علم حقیقی و ممدوح
۸۲	۳-۱-۳- فضیلت علم و معرفت
۸۳	۳-۱-۴- جایگاه معرفت در بحث از لذت و سعادت
۸۵	۳-۱-۵- رابطه‌ی لذت و سعادت با معرفت
۸۸	۳-۱-۶- اوصاف علم و معرفت
۹۱	۳-۱-۷- سعادت کامل در مشاهده است
۹۲	۳-۱-۸- لذت معرفت خداوند
۹۵	۳-۱-۹- علم و یقین اصل هر سعادت است
۱۰۱	۳-۱-۱۰- کسب معرفت افضل اعمال است
۱۰۳	۳-۲- عقل
۱۰۳	۳-۲-۱- محوریت عقل در لذت و سعادت حقیقی
۱۰۳	۳-۲-۲- عقل و ایمان

- ۱۰۵..... تقسیمات و مراتب عقل ۳-۲-۳
۱۰۷..... دلایل برتری لذات عقلی ۴-۲-۳
۱۱۰..... بهجت الهی ۵-۲-۳
۱۱۱..... خداوند و لذت ۶-۲-۳
۱۱۴..... موانع درك لذت عقلی حقیقی ۷-۲-۳

فصل چهارم: لذت در دیدگاه ملاصدرا ۱۲۲

- ۱-۴- تعریف لذت نزد فلاسفه‌ی اسلامی ۱۲۲
۲-۴- نقد دیدگاه زکریای رازی ۱۲۳
۳-۴- تعریف ملاصدرا از لذت ۱۲۵
۴-۴- ترتیب پیدایش مبانی لذت در انسان ۱۲۷
۵-۴- منشأ تفاوت لذات ۱۲۸
۶-۴- برتری لذت عقلی ۱۲۹
۷-۴- موضوع لذت ۱۳۱
۸-۴- تقسیم بندی لذات از نظر ملاصدرا ۱۳۲
۹-۴- انواع لذات به حسب قوای مدرکه (مراتب لذت) ۱۳۳
۱۰-۴- انواع لذت به حسب فوریت و دوام ۱۳۴
۱۱-۴- لذت دنیوی و اخروی ۱۳۶
۱۲-۴- مضاعف بودن لذت و الم اخروی ۱۳۸
۱۳-۴- لذات دنیا وهمی است ۱۳۹
۱۴-۴- علت محدودیت لذات دنیوی ۱۴۳
۱۵-۴- بالاترین مراتب لذت ۱۴۴

فصل پنجم: سعادت در دیدگاه ملاصدرا ۱۴۹

- ۱-۵- تعریف و اقسام سعادت ۱۴۹
۱-۱-۵- سعادت نزد فلاسفه ۱۴۹
۲-۱-۵- سعادت نزد ملاصدرا ۱۵۰
۳-۱-۵- سعادت خاص انسان و وجه تمایز آن از سعادت سایر موجودات ۱۵۴
۴-۱-۵- مُتَعَلِّقُ سَعَادَت ۱۵۵

۱۵۷	۵-۱-۰- حقیقت سعادت
۱۵۹	۶-۱-۰- مراتب سعادت
۱۶۱	۷-۱-۰- اقسام سعادات
۱۶۱	۸-۱-۰- سعادت نظری و سعادت عملی
۱۶۲	۹-۱-۰- چگونگی تأثیر اعتدال قوای نفس در سعادت انسان
۱۶۴	۱۰-۱-۰- سعادت عقلی و سعادت بدنی (حسی)
۱۶۶	۱۱-۱-۰- سعادت عاجل و سعادت آجل (دنیوی و اخروی)
۱۶۷	۱۲-۱-۰- سعادت لذاته و لغیره
۱۶۷	۱۳-۱-۰- ویژگی های سعادت اخروی
۱۶۹	۲-۵- عوامل و موانع سعادت از نظر ملاصدرا
۱۶۹	۱-۲-۰- عوامل (چگونگی تحصیل) سعادت
۱۷۰	۱-۱-۲-۵- معرفت
۱۷۱	۲-۱-۲-۵- نقش اعمال صالح در سعادت انسان
۱۷۳	رابطه ی سعادت با دین
۱۷۸	۲-۲-۰- موانع سعادت
۱۷۹	۱-۲-۲-۵- گناهان
۱۸۰	۲-۲-۲-۵- جهل و کفر
۱۸۱	۳-۵- شقاوت عقلی
۱۸۲	۱-۳-۰- اقسام شقاوت
۱۸۵	۲-۳-۰- علل نظری شقاوت در مثال آینه
۱۸۷	۳-۳-۰- شقاوت نظری و عملی
۱۹۰	نتیجه گیری
۱۹۳	کتاب شناسی
۱۹۳	الف. کتابها
۱۹۶	ب. پایگاههای اطلاع رسانی

مقدمه

لذت و سعادت دو مطلوب مشترک انسانهاست که انگیزه‌ی بسیاری از افعال او را تشکیل می‌دهد. اما در یک نگاه سطحی و عامیانه این دو خواسته‌های معمولی و پست انسانی است و نمی‌توان در حیطه‌ی اخلاق به آن پرداخت. در حالی که لذت‌گرایی و سعادت‌طلبی نیز در طول تاریخ فلسفه به عنوان دو مبدأ افعال اخلاقی انسان شناخته شده‌اند اما همواره آن دو را از هم متمایز و جدا فرض کرده و لذت را امری جدای از سعادت دانسته و تعریف کرده‌اند. ملاصدرا در حکمت متعالیه‌ی خود وقتی که از لذت حقیقی انسان سخن می‌گوید آن را با سعادت یکی دانسته است. این تحقیق در تبیین این رابطه بین لذت و سعادت می‌باشد.

به منظور تشریح این موضوع در ابتدا در بحث از کلیات به تعریف مسئله و بیان جایگاه آن در بین مباحث فلسفه‌ی اخلاق پرداخته‌ایم و سپس در فصل اول مبانی فلسفی و فکری ملاصدرا در پرداختن به این موضوع را در سه بخش مبانی هستی‌شناسی، مبانی معرفت‌شناسی و مبانی انسان‌شناسی طرح کرده‌ایم. در فصل دوم رابطه‌ی لذت و سعادت را در بحث از وجود و کمال مورد بررسی قرار داده‌ایم چرا که اصل فلسفه‌ی ملاصدرا بر وجود بنا شده و همه چیز از جمله لذت و سعادت را در آن قالب تعریف می‌کند. در فصل سوم این رابطه را در تعریف او از علم، معرفت و ادراک مورد توجه قرار داده‌ایم به این دلیل که ملاصدرا لذت و سعادت را نوعی ادراک و معرفت می‌داند و بالاخره در فصل چهارم به اصل لذت، تعریف، اقسام و مراتب آن از دیدگاه ملاصدرا پرداخته‌ایم و در فصل پنجم و پایانی به تعریف سعادت و بیان اقسام و انواع آن

و سعادت خاص انسان و همچنین عوامل و موانع سعادت مورد بحث قرار گرفته و در پایان بحث از سعادت به شیوه‌ی خود ملاصدرا که هر گاه از سعادت سخن گفته شقاوت را به عنوان نقطه‌ی مقابل آن تعریف کرده، ما نیز به بیان شقاوتی که در مقابل سعادت حقیقی قرار می‌گیرد از دیدگاه او پرداخته‌ایم.

۱. تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق

ملاصدرا در تاریخ تفکر و فلسفه اسلامی در حکم قله و اوج می‌باشد. او با اشراف بر آراء فلسفی پیش از خود و همچنین دیدگاههای عرفانی عرفا دست به ابتکاری زد که باعث درخشش او گردید. تلفیق آراء فلاسفه‌ی قبل از خود بویژه فلسفه‌ی مشائی و اشراقی با بهره‌گیری از عرفان‌های قوی مثل عرفان ابن عربی در کنار توانایی‌های فراوان او در معارف دینی چون قرآن و حدیث در بستر معنوی که او با ریاضت‌ها و تزکیه‌های نفس در خود ایجاد کرده بود به او این توان را داد که دست به تأسیس قوی‌ترین مکتب فلسفی اسلامی بزند که پس از آن، سایر مکاتب فلسفی از رونق و توجه بیفتند و هنوز هم فیلسوفی پیدا نشده که دیدگاه کاملتری ارائه کند و بتواند جای آن را بگیرد. امروزه مسائل فلسفه‌ی اسلامی آنگونه بحث می‌شود و به ترتیبی پیش می‌رود که ملاصدرا مطرح نموده است. صرف نظر از برخی اشکالات و انتقاداتی که برخی در موارد جزئی به دیدگاههای او مطرح نموده‌اند اصول و مبانی مطرح شده‌ی او مقبول غالب اهالی فلسفه است بویژه که او با طرح دیدگاههای خاص خود با محوریت «وجود» بسیاری از مشکلات لاینحل فلسفه را که تا آن زمان مطرح بود پاسخ داد. بنابراین دیدگاههای او به عنوان نقطه‌ی اوج فلسفه اسلامی برای اهل علم و فلسفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و پاسخ به هر سؤالی بدون بررسی نظریه ملاصدرا ناقص و فاقد اعتبار فلسفی خواهد بود.

از میان مسائل مختلفی که در عالم فکر فلسفی مطرح می‌شود مسئله‌ی لذت و سعادت از مهمترین هاست و در بین عموم انسانها نیز بیشترین چیزی که ذهن انسان را به خود مشغول می‌کند و خواسته یا ناخواسته هر کسی به دنبال آن است لذت و سعادت است. البته اینکه فلاسفه هم به این موضوع پرداخته‌اند به دلیل همان تمایل طبیعی انسان به لذت و سعادت است،

به همین دلیل فلاسفه مبدأ همه افعال و حرکات انسان را در کسب لذت و دفع الم دانسته‌اند. از سوی دیگر همه‌ی انسان‌ها بصورت ارادی و غیر ارادی به دنبال سعادت هستند اما گاهی از آن با عنوان سعادت یاد می‌کنند، گاهی با عنوان عامیانه خوشبختی و گاهی موفقیت و گاهی تعابیر دیگر. اما آنچه در پس همه‌ی این اصطلاحات مقصود و هدف هر انسانی در زندگی می‌باشد همان چیزی است که در فرهنگ دینی با عنوان «فلاح» از آن یاد کرده‌اند و فلاسفه و عرفا به آن سعادت و گاهی کمال می‌گویند. بر همین اساس یعنی به دلیل اهمیت موضوع از سویی و جایگاه ملاصدرا در فلسفه اسلامی از سوی دیگر بررسی و فهم دیدگاه او در خصوص لذت و سعادت در پاسخگویی به این نیاز دائمی بشر کمک شایانی می‌کند.

بنابراین مساله این است که لذت چیست و چگونه حاصل می‌شود؟ لذت چه مراتبی دارد؟ سعادت چیست و چونه بدست می‌آید؟ از دیدگاه ملاصدرا لذت حقیقی در چیست و رابطه‌ی آن با سعادت چگونه است؟ آیا لذت‌های مادی و جسمانی در رسیدن به سعادت نقشی دارند؟ آیا درک لذت حقیقی با لذت‌های مادی ارتباطی دارد؟ چه نوع رابطه‌ی ای؟ آیا رابطه‌ی آنها از نوع تضاد و تقابل است یا اینکه باهم قابل جمع هستند؟ بر فرض درک لذت حقیقی آیا آن لذت با سعادت تلازم دارد؟

۲. پیشینه‌ی تحقیق

در تحقیقاتی که به آراء ملاصدرا پرداخته شده به طور کلی اشاراتی به این موضوعات شده اما به طور مستقل و کامل و با یک نگاه فلسفه اخلاقی به آن پرداخته نشده است. مواردی که به این موضوع پرداخته شده عبارت است از:

۱. در کتاب «ملاصدرا به روایت ما» در فصلی با عنوان اخلاق‌شناسی صدرایی تحت عناوین لذت و سعادت حدود شش صفحه به تعریف لذت و سعادت از نگاه ملاصدرا پرداخته است بدون اینکه به بررسی رابطه‌ی آن پردازد.^۱
۲. در کتاب «فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا» تألیف دکتر سید جعفر سجادی نیز در حد تعریف به موضوع لذت و سعادت از دیدگاه ملاصدرا اشاره کرده است.

۱. اکبری، رضا، ملاصدرا به روایت ما، صص ۲۰۶-۲۰۰.

۳. پایان نامه‌ای با عنوان «مقایسه و تطبیق آراء صدرالمآلهین و ابن مسکویه در مورد مسأله‌ی سعادت و شقاوت» توسط خانم سکینه مجتهدی در دانشگاه قم تدوین شده که دسترسی به آن ممکن نبود و فقط عنوان آن را در اینترنت پیدا کردم.

۴. پایان نامه‌ای با عنوان «نظریه‌ی اخلاقی ملاصدرا» نیز توسط خانم زهرا مدرسی مصلی در دانشگاه قم تدوین شده و اشاراتی به «لذت و سعادت» در عناوین و فصول آن وجود دارد که به اصل آن دسترسی نداشتم.

۵. در پایان نامه‌ای با عنوان «لذت و الم اخوری از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا» که توسط خانم طاهره راعی خیرآبادی تدوین شده نیز به موضوع لذت حقیقی پرداخته شده است.

۳. ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اوج گرفتن فرایند لذت جویی و لذت طلبی در میان اقشار مختلف جامعه و نیاز طبع سعادت طلب انسان از یک سو و باتوجه به جایگاه ملاصدرا در تاریخ اندیشه عقلی و فلسفی اسلامی از سوی دیگر، روشن شدن مسئله‌ی لذت و سعادت و رابطه‌ی آن دو که خود در بردارنده و معرف لذت و سعادت حقیقی است و سرایت دادن آن به متن جامعه و تبیین آن برای حداقل نسل تحصیل کرده و دانشگاهی و جوان جامعه می‌تواند در کنترل و مهار عطش کاذب بشر امروزی به لذت‌های مادی و دنیوی که خود بزرگترین مانع بر سر راه نیل به سعادت و لذت حقیقی است تأثیر بسیار مطلوبی داشته باشد.

همچنین در سطح علمی و دانشگاهی در پاسخ گویی و رفع شبهات علمی و فلسفی و اخلاقی در خصوص لذت و سعادت و مسائل وابسته بسیار تأثیر گذار باشد و باب جدیدی را بر روی تولید علم مخصوصاً در حوزه‌ی علوم انسانی که ضرورت امروز جامعه‌ی ماست و مقام معظم رهبری تأکیدات و تذکرات مکرری در این زمینه داشته اند، نیز باز نماید بویژه که لذت و سعادت از ضروری ترین، ملموس ترین و مطلوب ترین خواسته‌های فرد و جامعه می‌باشد.

۴. فرضیه‌ها

سعادت در درک لذت حقیقی است نه لذات زودگذر مادی و لذت حقیقی عبارت است از تقرب به منشأ همه‌ی لذات و سعادات یعنی وجود خداوند تبارک و تعالی. و قرب به خداوند با

تشبه به او حاصل می‌شود. معمولاً خداوند را به صفات ثبوتیه او می‌شناسیم بنابراین اگر بخواهیم به او نزدیک شویم باید صفات او را در خود متجلی کنیم و به هر میزان که بتوانیم خود را به صفات الهی مزین کنیم به او تقرب جسته‌ایم. و این حاصل نمی‌شود جز با ممارست بر افکار، نیات و کارهای خوب که در تعالیم دینی از آن به ایمان و عمل صالح تعبیر می‌شود.

۵. روش انجام تحقیق

تحقیق و تدوین این پایان نامه به صورت نظری توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است به این ترتیب که در برخی قسمت‌ها به بررسی و توصیف دیدگاه و نظریات ملاصدرا در موضوع پرداخته شده و در قسمت‌هایی که معمولاً آخر فصل و مطلب است به تحلیل آن و بیان رابطه‌ی آن با موضوع و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۶. لذت به عنوان معیار فعل اخلاقی

مهمترین بحثی که در فلسفه اخلاق به آن پرداخته می‌شود معیار و ملاک فعل اخلاقی است. یعنی اینکه ما چه فعلی را اخلاقی می‌نامیم و به عبارتی چه ویژگی در یک فعل باید وجود داشته باشد که آن را خوب بنامیم و به عکس چه فعلی از نظر اخلاقی بد است؟ این مسئله از قدیم الایام مورد توجه حکما و فلاسفه و علمای اخلاق بوده است و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. فلاسفه و مکاتب مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ملاک و معیار فعل اخلاقی ارائه داده‌اند. برخی سود را معیار فعل اخلاقی دانسته‌اند، برخی لذت را، برخی قدرت، برخی کمال و سعادت، برخی خواست جمع و تأیید عمومی را و... در این میان دو تا از معیارهایی که شاید بتوان ادعا کرد بیش از همه مورد توجه حکما و فلاسفه بوده است لذت و سعادت است. البته همه‌ی کسانی که یکی از این دو را معیار دانسته‌اند در تفسیر و تبیین چگونگی آن اختلاف نظر دارند.

از اولین کسانی که «لذت» را ملاک قرار داده‌اند آریستپوس^۱ از شاگردان سقراط است. از نظر او هر کاری که ملائم طبع ماست و برای ما ایجاد لذت می‌کند خوب و خیر است و

۱. Aristippos، قرن پنجم قبل از میلاد.

هر کاری که با طبع ما منافر و ناسازگار است و به عبارتی موجب رنج و درد ما می شود بد و شر است. به عقیده‌ی آریستئیوس منشأ احکام اخلاقی همان طبیعت انسانی است که به کسب لذت‌های عاجل و نقد فرمان می دهد. بنابراین هر کاری که به لذت فردی بیانجامد خیر است و هر کاری که درد و رنج فردی ایجاد کند بد و شر است. لذت مورد نظر او فردی، دنیوی و عاجل (نقد) است.^۱

از دیگر فلاسفه‌ی مشهوری که لذت را ملاک فعل اخلاقی قرار داده و مکتبی را بنا کرده است اپیکور^۲ می باشد. او می گوید: «... ما برآنیم که لذت مبدأ و غایت زندگی سعادت‌مندانه است زیرا ما این را به عنوان نخستین خیر می شناسیم که ذاتی و همزاد ماست و با توجه به آن است که به هر انتخابی مبادرت می ورزیم.»^۳ تفاوت دیدگاه اپیکور با آریستئیوس در این است که آریستئیوس منشأ همه‌ی بایدها و نبایدهای اخلاقی را صرف اصل طبیعت انسان می داند اما اپیکور عقل را هم دخیل می داند زیرا در تزامن دو لذت کوتاه مدت و طولانی این عقل است که انسان را به انتخاب دومی دستور می دهد. از سوی دیگر گاهی یک لذت کوتاه مدت دردهای طولانی به دنبال دارد و به عکس یک درد کوتاه مدت لذت‌های طولانی که بر همین اساس اپیکور اساس هر لذتی را خوب و هر المی را بد نمی داند. به هر یک از این دو مکتب لذت گرا نقدهایی وارد شده که در مباحث فلسفه اخلاق به پرداخته شده است.

لذت گروی اخلاقی دیدگاهی است فلسفی اخلاقی مبنی بر اینکه فقط حالات خوشایند و لذت بخش برای نفس فی نفس مطلوب هستند. این دیدگاه مورد دفاع سلسله‌ای متمایز از فلاسفه از یونانیان نخستین تا فلاسفه‌ی کنونی از قبیل آریستئیوس، اپیکور، لاک، هابز، هیوم، بنتام، میل و سیجویک قرار گرفته است.^۴

لذت را گاهی «وضعیت رضایت» معنا کرده اند اما به معنایی وسیع که لذت جسمی و روحی را در بر گیرد. بر همین اساس لذت محض و صرف فی نفس مطلوب و خواستنی است و اگر

۱. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۶۷.

۲. Epicure از فیلسوفان یونان باستان ۲۷۰-۳۴۲ ق م.

۳. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۷۰ نقل از تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ترجمه جلال الدین مجتبی، ص ۱۴۵.

۴. ادواردز، پل، فلسفه اخلاق، ترجمه انشاءالله رحمتی، ص ۲۵۷.

این لذت مطلق دوام و بقا داشته باشد به آن خوشبختی و سعادت می‌گویند. بنابراین لذت وقتی که موقتی و محدود و یا آمیخته با درد و رنج باشد لذت حقیقی نخواهد بود و خوشبختی حقیقی به بار نخواهد آورد زیرا همه‌ی چیزهایی که در انسان باعث لذت می‌شوند موقتی و محدود هستند و بسیاری از لذت‌ها به زودی باعث دلزدگی می‌شوند، حوصله را سر می‌برند و جاذبه‌شان را از دست می‌دهند. به عنوان مثال تعطیلات لذت بخش وقتی که طولانی می‌شوند خسته کننده و ملال آور شده، در نتیجه آرزو می‌کنیم که زودتر تمام شود. بنابراین کسی که والاترین خیر و هدف نهایی خود را در لذت‌های مادی و محدود جستجو می‌کند هرگز خوشبخت و سعادتمند نمی‌شود. تنها چیزی که لذت حقیقی و مداوم را باعث می‌شود این است که به طور کامل بهترین و ارزشمندترین قابلیت‌های خود یعنی فکر کردن و انتخاب کردن را با اراده‌ی آزاد شکوفا سازد. هنگامی که او با اندیشه اش والاترین چیزی را که می‌تواند بشناسد شناخت و اراده‌ی خود را به سوی او متوجه می‌کند و در این صورت انسان به معنای کامل تحقق می‌یابد و حقیقتاً خوشبخت خواهد شد.^۱

۷. سعادت به عنوان معیار فعل اخلاقی

یکی از مکاتب فلسفی اخلاقی که نقش بسیار مهمی در تاریخ تفکر فلسفی و اخلاقی دارد مکتب سعادت و کمال حکمای یونان باستان یعنی سقراط، افلاطون و ارسطو است. از نظر این مکتب مطلوب نهایی انسان نیل به سعادت و کمال است. گرچه دیدگاه‌های مدافعان این مکتب اختلافات زیادی با هم دارد اما وجه مشترک همه‌ی آنها این است که وصول به سعادت و کمال را به عنوان غایت الغایات اخلاق و احکام اخلاقی معرفی کرده‌اند. از نظر سعادت‌گرایان منشأ ارزشهای اخلاقی و ریشه‌ی همه‌ی فضایل و رذایل اخلاقی در سعادت و کمال نهفته است هر چند که در حقیقت مصداق سعادت و کمال با یکدیگر اختلافات فراوانی دارند. بعضی به کمال تکیه کرده و سعادت را لازمه‌ی آن دانسته‌اند و برخی به عکس سعادت را اصل دانسته و کمال را ملازم با آن معرفی کرده‌اند. برخی جنبه‌های معنوی را ترجیح داده و برخی جهات مادی را.^۲

۱. زاگال، هگتور و گالیندو، خوزه، *داوری اخلاقی (فلسفه اخلاق چیست؟)*، صص ۶۰-۵۹.

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، *تقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، ص ۳۹۹.

سقراط سعادت را غایت قصوی و مطلوب نهایی انسان می‌داند زیرا تنها غایتی است که بی‌نیاز از تبیین است. در مورد هر غایت و هدف دیگری می‌توان پرسید که چرا آن را غایت قرار می‌دهی؟ اما غایت سعادت ذاتاً مطلوب است و جای سؤال باقی نمی‌گذارد. این سعادت که از نظر او ملاک ارزیابی افعال است با حداکثر لذت و حداقل رنج حاصل می‌شود. از سوی دیگر سعادت را در ارضای امیال دانسته است البته گویا منظور او امیال عقلانی بوده است چون در جاهای دیگر معرفت را برای نیل به سعادت کافی دانسته است بنابراین شاید بتوان گفت منظور او از ارضای امیال بر آوردن امیال و نیازهای عقلانی انسان است که با معرفت و تعقل بدست می‌آید. یکی دیگر از ویژگیهای مد نظر او این است که سلامت جسمانی در آن نقش دارد و از نظر او انسان بیمار و رنجور نمی‌تواند سعادت‌مند باشد. همچنین سقراط فضیلت را شرط لازم و کافی برای سعادت می‌داند یعنی منش‌ها و خصوصیات نفسانی که رفتارهای فرد را تعیین می‌کنند در سعادت فرد نقش اصلی دارند. از سوی دیگر این فضیلت نتیجه معرفت است و معرفت نیک و بد شرط لازم و کافی برای دستیابی به فضیلت است.^۱

افلاطون نیز به دنبال معرفتی جامع از خیر و سعادت به این نتیجه رسید که تا نسبت به خیر مطلق و کلی معرفت پیدا نکنیم نمی‌توانیم خیرهای جزئی را بشناسیم و این معرفت کلی همان شناخت صور نوعیه و مثال خیر است. او معتقد است افراد هر کلی سایه‌هایی از مثال و نمونه کامل آن نوع هستند و معرفت حقیقی شناخت حقایق کلی است که در مثال کلی خیر نهفته است. افلاطون همانند سقراط فضیلت را برای سعادت لازم می‌داند اما بر خلاف او کافی نمی‌داند و معتقد است زندگی مرکب از فضیلت و لذت از زندگی که فقط یکی را داشته باشد کاملتر است. او لذات حقیقی و کاذب را تفکیک کرده و لذات عقلانی را بر دیگر لذات ترجیح داده است و لذت معقول و حقیقی را جزئی از سعادت دانسته است.^۲

ارسطو نیز سعادت گراست و سعادت را غایت مطلوب و بالذات انسان می‌داند که همه‌ی کارهای انسان را برای رسیدن به آن است بنابراین خیر ذاتی است. او نیز مانند افلاطون نفس انسان را دارای سه بخش عقلانی، عاطفی و شهوانی می‌داند و معتقد است از آنجا که تفکر و

۱. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، صص ۱۱۲-۱۱۰.

۲. همان، صص ۱۱۶-۱۱۵.

تعقل و ویژگی خاص انسان است سعادت انسان را باید در همین ویژگی او جستجو کرد و لذت بخش ترین کارها از نظر او تفکر و تعقل است. او بر خلاف سقراط فضیلت را برای سعادت کافی نمی داند و معتقد است برای رسیدن به سعادت علاوه بر کسب فضیلت باید که موانع فعالیت های عقلانی نیز وجود نداشته باشد. او راه دستیابی به فضیلت را اعتدال دانسته است.^۱

مکتب سعادت گرایی فلاسفه یونان شاید عمیق ترین نظریات فلسفی اخلاقی تاریخ را ارائه کرده است چنانچه صاحبان این نظریات از مهمترین فلاسفه ی تاریخ بوده و هستند و گرچه بر دیدگاه آنها در باب سعادت اشکالات زیادی وارد شده است اما مطمئناً نظریات آنها مستقیم یا غیر مستقیم بر سایر فلاسفه و از جمله نظریه ملاصدرا در سعادت و لذت تأثیر داشته است.

به اعتقاد فلاسفه و حتی عموم مردم همه ی انسان ها می خواهند خوشبخت باشند و بر حسب طبیعت خود در طلب خوشبختی و سعادت اند. این اشتیاق و آرزوی سعادت آنقدر جدی و واقعی است که نمی توان تصور کرد کسی خوشبختی و سعادت را نخواهد و یا از اینکه خوشبخت است ناراحت است. بنابراین مطلوب بودن سعادت امری یقینی است اما در اینکه سعادت چیست و چگونه بدست می آید انسان ها دیدگاه های مختلفی دارند. اصولاً سعادت و خوشبختی والاترین و غایی ترین هدف انسان در زندگی است. همه ی کارهایی که انجام می دهیم و همه ی آنچه را که طلب می کنیم برای این است که به سعادت و خوشبختی برسیم. بنابراین ویژگی مشترک همه ی انسان ها «تمایل به خوشبختی» است اما این بدان معنا نیست که همه ی انسان ها خوشبخت می شوند و اخلاق عبارت است از مجموعه ی آموزه های خوشبختی و راهنمای عملی سعادت. در واقع اخلاق هنر خوشبخت شدن و سعادت است.^۲

بر این اساس سعادت و خوشبختی کلی ترین و غایی ترین اصل اخلاقی است که همه ی اصول و هنجارهای اخلاقی برای رسیدن به آن شکل گرفته و اجرا می شود.

۸. جایگاه بحث لذت و سعادت در فلسفه ی اخلاق

فلسفه ی اخلاق به پرسش های بنیادینی می پردازد که به اخلاقیات مربوط است. یعنی در پی

۱. همان، صص ۱۲۱-۱۱۹.

۲. زاگال، هگتور و گالیندو، خوزه، *داوری اخلاقی (فلسفه اخلاق چیست؟)*، صص ۵۶-۵۴.

آن است که به چرایی بایدها و نبایدهای اخلاقی پاسخ دهد و سرشت داوری‌های اخلاقی را مورد مطالعه قرار دهد. فلاسفه این مباحث را به بخش‌ها و موضوعات مختلف تقسیم کرده‌اند. در یک تقسیم بندی کلی فلسفه‌ی اخلاق به دو بخش کلی تقسیم می‌شود:

فرا اخلاق: که به مطالعه درباره‌ی سرشت و روش‌شناسی داوری‌های اخلاقی می‌پردازد. مثل اینکه خوب و بد به چه معناست و آیا حقایق اخلاقی وجود دارند؟ فرا اخلاق خود نیز به دو بخش قابل تقسیم است: ۱. بخشی که به بحث از داوری اخلاقی می‌پردازد و غالباً درباره‌ی تعریف خوب است. و ۲. بخشی که در مورد نحوه‌ی گزینش اصول اخلاقی سخن می‌گوید. **اخلاق هنجاری:** که به ما می‌گوید چه اصولی را باید در زندگی دنبال کنیم؟ مثل اینکه اصول اساسی درست و نادرست چیست؟ و چه چیز باعث می‌شود که کسی خوب باشد؟

اخلاق هنجاری نیز دارای دو مرتبه است:

نظریه‌ی هنجاری: که در جستجوی اصول اخلاقی بسیار کلی است مانند اینکه «همیشه باید کاری کرد که مجموع لذت‌های هم‌ی افراد را به بیشترین حد خود می‌رساند.»
اخلاق هنجاری کاربردی: که به مطالعه‌ی مسائل اخلاقی خاصی می‌پردازد مثل سقط جنین یا دروغ‌گویی.^۱

بر این اساس بحث از لذت و سعادت کاری به سرشت داوری‌های اخلاقی ندارد و بنابراین از دایره‌ی مباحث فرااخلاق خارج و در حیطه‌ی مباحث اخلاق هنجاری واقع می‌شود و از آنجا که لذت و سعادت اصول کلی اخلاقی به شمار می‌آیند بحث از لذت و سعادت و رابطه‌ی آن دو در ذیل مباحث نظریه‌ی هنجاری قرار می‌گیرد.

فلسفه‌ی اخلاق در دو مقام قابل بحث و بررسی است. در مقام تئوری واقعیت موضوعات اخلاقی را شناسایی می‌کند و در مقام عمل و اجرا یک مهارت و هنر است که ما را به خوب زندگی کردن سوق می‌دهد و غایت فلسفه‌ی اخلاق این است که به ما نوعی از قابلیت‌های عقلی می‌دهد و در نتیجه اراده‌ی ما چنان از عقل متأثر می‌گردد که از نظر اخلاقی درست عمل می‌کنیم. به همین دلیل یونانیان باستان گفته‌اند تنها کسی که اخلاقی زندگی می‌کند چیزی درباره‌ی اخلاق می‌داند. بنابراین هنگامی بر فلسفه‌ی اخلاق مسلط خواهیم بود که فراتر از

۱. گنسلر هنری جی، درآمدی جدید به فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، صص ۳۱-۳۰.